

حوادث کوتاه

جزئیات قتل دروازه بان تیم امید مس کرمان

قاتل علیرضا شهرداری پناه، دروازه بان تیم فوتبال امید مس کرمان در عملیات پلیسی دستگیر شد. سرهنگ مهدی پورامینایی، رئیس پلیس کرمان گفت: بامداد اول تیرماه جاری در پی اعلام یک مورد تیراندازی در یکی از محله های شهر کرمان، بلافاصله مأموران انتظامی به محل اعزام و در یک ساختمان با یک مرد میانسال که یک سلاح شکاری در دست داشت و همچنین با یک پر نیمه جان یک پسر جوان غرق در خون مواجه شدند که این فرد لحظاتی بعد، پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. وی با اشاره به اینکه مقتول، علیرضا شهرداری پناه دروازه بان تیم فوتبال امید مس کرمان بود، افزود: در ادامه طی بازجویی به عمل آمده، فردی که با اسلحه در این محل حضور داشت به انجام تیراندازی و وقوع این قتل اعتراف و انگیزه خود را وقوع تنش ناشی از یک سری مسائل و اختلافات قبلی عنوان کرد. فرمانده انتظامی شهرستان کرمان گفت: برای این متهم پس از بازجویی های تخصصی پرونده تشکیل شده و در حال سیر مراحل قانونی است. همچنین مهدی بخشی، دادستان کرمان نیز در این رابطه گفت: این حادثه به دلیل اختلاف خانوادگی رخ داده و قاتل، با سلاح شکاری چهار شلیک داشته و به تصور خود به سمت پای مقتول زده که آسیب زیاد نباشد اما تیر به یکی از رگ های اصلی پای مقتول اصابت کرده است. وی افزود: قاتل دستگیر و تعقیب اتهام شده و در بازداشت است.

مرگ وحشتناک کارگر مس چهارگنبد در دستگاه نوار نقاله

یک کارگر شاغل در معدن مس چهار گنبد به دلیل رعایت نشدن اصول ایمنی حین کار جان خود را از دست داد. یک منبع کارگری در استان کرمان گفت: حادثه حوالی ساعت ۴:۲۵ بامداد شنبه ۳ تیر ماه زمانی رخ داد که یک کارگر شاغل در معدن مس چهار گنبد بر اثر رعایت نشدن ایمنی کار جان خود را از دست داد. به گفته این فرد، بررسی های اولیه حاکی از آن بود که کارگر فوت شده با ۴۲ سال سن مشغول کار در کارگاه بود که ناگهان به دلیل نداشتن تجهیزات ایمنی، از ناحیه سر و دست زیر غلتک نوار نقاله دستگاه اصلی کارگاه گیر می کند که در نتیجه آن جانش را از دست می دهد. او گفت: علت حادثه هنوز مشخص نیست؛ زیرا به گفته دیگر کارگران معدن، او در زمان وقوع حادثه تنها بوده است.

شلیک مرگبار به مرد جوان مقابل بخشداری نهبود

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تاکستان از قتل یک جوان ۳۰ ساله با شلیک گلوله و مجروح شدن ۲ نفر دیگر خبر داد. صمدی دادستان تاکستان گفت: ۲۳ خرداد، یک نفر در شهر نهبود از توابع شهرستان تاکستان مورد اصابت گلوله اسلحه شکاری قرار گرفت که باعث مرگ وی شد. دادستان تاکستان افزود: رئیس حوزه قضایی خرمشهرت به جانشینی از بازرس و کارگهان جنایی برای بررسی بیشتر پرونده در محل حادثه حضور پیدا کرده و تحقیقات همه جانبه صورت گرفته است. وی گفت: در حال حاضر پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل و یک نفر به اتهام معاونت در قتل بازداشت شده و قاتل نیز متور است. تحقیقات و بررسی ها جهت شناسایی مخفیگاه او ادامه دارد.

تشکیل پرونده برای ۲ مدیر درباره تصادف مرگبار یاسوج

بازرس کل کهگیلویه و بویراحمد از تشکیل پرونده برای ۲ مدیر این استان در رابطه با حادثه جمعه خونین یاسوج خبر داد. محمد مهدی صالحی گفت: برای ۲ مدیر کهگیلویه و بویراحمد در زمینه تخلف احتمالی در رابطه با حادثه جمعه خونین یاسوج تشکیل پرونده شده و در دست بررسی است. وی با تأکید بر اینکه در صورت اثبات تخلف، با دستگاه های متخلف برخورد خواهد شد، عنوان کرد: واقعیت امر این است که در گذشته با انجام مکاتبات مختلف در زمینه نقطه محل وقوع حادثه، هشدارهای لازم داده شده و خواهان رفع این نقطه حادثه خیز شده بودیم. صالحی با اشاره به مکاتبات ۹ فروردین ماه امسال در زمینه فضا سازی، رعایت حریم، نقض قوانین و مقررات محل وقوع حادثه، افزود: در آن مکاتبه هشدار چنین روزی داده شده بود. وی خاطرنشان کرد: همچنین دوم خرداد ماه ۱۴۰۲ با مکاتبه دیگری تذکر لازم داده شد و گفتیم که حریم جاده یاسوج به شیراز حداقل سرتاوه تا پلیس راه به دلیل عدم رعایت حریم جاده و تصرف غیرقانونی آن توسط افراد، هر چه سریعتر بررسی و اصلاح امور انجام شود. صالحی ادامه داد: طبق بررسی های انجام شده در روز جمعه و حضور میدانی هیأت بازرسی سازمان بازرسی استان در محل حادثه و شرکت در نشست مدیریت بحران برای مدیران متخلف تشکیل پرونده شده که در دست بررسی است و با پایان بررسی ها نتیجه اطلاع رسانی خواهد شد.

دختر جوان فایل صوتی را به دادگاه داد

حکم اعدام مرد شیطان صفت که دختر جوان را در گلخانه توت فرنگی به دام سپاه خود انداخته بود در دیوان عالی کشور شکسته شد. دیوان عالی کشور شکسته شد. این مرد آزارگر بار دیگر در دادگاه کیفری استان تهران از خود دفاع خواهد کرد و قضات دادگاه قرار است بعد از بررسی فایل صوتی که دختر جوان ارائه داده حکم جدید خود را صادر کنند.

شکایت سیاه

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده با شکایت دختر جوانی به نام دریا که به پلیس آگاهی مراجعه کرده بود، آغاز شد. وی از صاحب یک گلخانه در شهریار شکایت کرد. دختر ۲۲ ساله در تشریح جزئیات شکایت گفت: بعد از فوت پدر و مادرم، من و خواهرم با هم زندگی می کنیم. خواهرم کارمند یک دفترخانه است و من مدتی بود که به دنبال شغل مناسبی می گشتم و خواهرم به چند نفر از دوستانش سپرده بود اگر می توانند کار مناسبی برام پیدا کنند.

وی ادامه داد: آخرین بار خواهرم به مرد جوانی به نام «ب» که به دفترخانه شان مراجعه کرده بود گفته بود دنبال شغل مناسبی برای من می گردد. او نیز گفته بود صاحب یک گلخانه بزرگ در شهریار است و می تواند مرا به عنوان منشی استخدام کند.

شیطان گلخانه توت فرنگی

بدین ترتیب من برای کار به گلخانه رفتم و قرار شد به عنوان منشی کارم را شروع کنم. او گفته بود اگر عصرها این مرد آزارگر بار دیگر در دادگاه کیفری استان تهران مستقر در شهریار پای میز محاکمه ایستاد. در آن جلسه دختر جوان برای وی اسناد مجازات خواست. دختر جوان شالی را به دادگاه ارائه داد و گفت: آثار جرم روی شال وجود دارد، که می تواند ادعای مرا ثابت کند.

آزمایش جنایی دی ان ای

کارشناسان پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کردند که DNA کشف شده روی شال دختر جوان با DNA صاحب گلخانه مطابقت دارد و همین کافی بود تا قضات شعبه ۱۷ دادگاه کیفری تهران، بهزاد را به اعدام محکوم کنند.

حکم اعدام شکست

این حکم اعدام با اعتراض مرد شیطان صفت در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات دیوان عالی کشور حکم اعدام او را شکستند.

ردیابی شیطان

با شکایت دختر جوان، مأموران به گلخانه کشت توت فرنگی در شهریار رفتند و فرد ۳۹ ساله بازداشت شد. این مرد اتهام آزار دختر جوان را نپذیرفت و مشخص نیست رابطه ای که میان گلخانه است استخدام شد از او سفته گرفتیم. اما به یکباره کارش را رها کرد و دیگر به گلخانه بازنگشت. او به خاطر سفته هایی که از او دارم چنین شکایتی

محاکمه دوباره

پرونده به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. در این مرحله دادگاه حکم اعدام را بر او صادر کرد.

بزرسی مجدد یک اقدام شیطانی



با شکسته شدن حکم اعدام صاحب گلخانه، پرونده به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و «ب» بار دیگر از خود دفاع کرد. در این جلسه دختر جوان روبه روی قضات ایستاد و گفت: این مرد زندگی ام را اسبابه کرد. پدر و مادرم فوت شده اند و من غیر از خواهرم کسی را ندارم که پیگیر پرونده ام باشد. او چون می دانست من تنها هستم برای او فقط حکم اعدام می خواهم. وقتی او در جایگاه ویژه ایستاد اتهامش را نپذیرفت و گفت: قبول دارم با دریا رابطه برقرار کردم، اما این رابطه با میل او برقرار شد و خودش به دفتر کار آمده بود.

ارائه فایل صوتی

در این میان وکیل دریا فایل صوتی را به قضات ارائه داد و گفت: بعد از ماجرای آزار سیاه، دریا گفته بود که از بهزاد شکایت می کند. به همین خاطر بهزاد با او تماس گرفته و ابراز پشیمانی کرده بود و در این فایل صوتی شنیده می شود که او گفته حاضر است دریا را به دکتر ببرد و همه هزینه های درمان را نیز بپردازد. اظهارات «ب» که در این فایل صوتی موجود است نشان می دهد او به زور دختر جوان را به تله شیطانی انداخته و آزار داده است. با این ادعا قضات دادگاه وارد شور شدند تا پس از بررسی فایل صوتی، برای صاحب گلخانه رأی صادر کنند.

مادر بی سواد این پسر در دوران کرونا همزمان با فرزندش درس خواند

ابتکار خانم معلم برای دانش آموز ناشنوا

فرزندانش را رها کرده بود و آنها بشدت در مضیقه مالی بودند. سبنا یک برادر حدوداً ۶ ساله هم داشت که از نظر جسمی سالم بود.

مادر بی سواد

این معلم فداکار تأکید می کند: «بعد از هر جلسه تدریس به مادران دانش آموزانم توصیه هایی برای بهتر شدن درس بچه ها می کردم. همچنین از تدریس در زبان اشاره هم فیلم می گرفتم و در گروه آموزشی را فرآ بگیرند. اوایل آبان ماه به مادر سبنا گفتم فیلم ها را ببیند و با فرزندش در خانه درس را کار کند، اما او سرش را پایین انداخت و سکوت کرد. او با خجالت زنگی تمام به من گفت اصلاً سواد ندارد و چطور می تواند با فرزندش درس را کار کند در حالی که خودش هیچ تصویری از درس های بچه اش ندارد؟»

احمدی می گوید: آنچه بود که فکر کردم بهتر است به مادر نیز همزمان با خود سبنا آموزش دهم، چرا که در سال های بعد برای مادر کار آبی دارد. هر روز وقتی کلاس سبنا تمام می شد، زمان بیشتری را در مدرسه می ماندم تا زبان اشاره و حروف الفبایی را که به سبنا آموزش داده بودم به مادرش هم یاد بدهم. همزمان با سبنا به مادر نیز سرمشق می دادم و همچنین به او می گفتم چگونه در خانه با فرزندش درس مختلف را تمرین کند. این مادر خیلی مستعد بود و برخلاف تصور آموزش به او اصلاً برام خستگی نداشت.

او می افزاید: «تا رددیبهشت سال بعد با مادر سبنا تمام دروس را از جمله ریاضی، علوم و حروف الفبا کار کردم. این مادر خیلی مستعد بود و آخر سال خودش در پیام رسان شاد به من پیام می داد. البته گاهی اوقات غلط املائی داشت ولی تلاشش را نشان می داد. او هم اکنون در حال پیشرفت است و نه تنها علاقه مند به یادگیری است بلکه از اینکه اشتباهی داشته باشد هم خجالت نمی کشد و سعی می کند یاد بگیرد.»

لیلا احمدی، این معلم فداکار در ادامه می افزاید: «اگر کار خوب از دید هر انسانی پنهان بماند، از دید خالق پنهان نخواهد ماند و برای همین روزی در زندگی نتیجه هر کار خوبی به انسان بازمی گردد.»

او در پایان می گوید: «من به عنوان کسی که با دانش آموزان استثنایی در ارتباطم دلم می خواهد نگاه تحقیرآمیز از این بچه ها برداشته شود. خیلی از والدین این بچه ها از اینکه واکنش های نامناسب مردم را در جامعه می بینند، می ترسند و برای همین بچه ها در خانه محبوس می شوند. این اتفاق من را بشدت می رنجاند و امیدوارم جامعه نیز در راستای کمک روانی به معلولان تلاش کند.»



زهرا علی هاشمی / پدر خانواده رهاپشان کرد و رفت به نکاح ایاد. به همین راحتی، زن و فرزندانش را در دل تنهایی گذاشت و رفت پی زندگی اش. حتی ناشنوا بودن یکی از بچه ها هم باعث نشد تا پدر تصمیمش را عوض کند. مادر ماند و کوله باری از غم و مسئولیتی سنگین تر در زندگی.

اینها را لیلا احمدی، معلمی که ۱۰ سال از عمرش را صرف آموزش به دانش آموزان استثنایی کرده است می گوید. او این روزها معاون مدرسه ای در حسن آباد شافویه است که قبلاً در همان مدرسه تدریس می کرد. از آنجایی که در حسن آباد فقط یک مدرسه استثنایی وجود دارد، دانش آموزان از طیف های مختلف و با معلولیت های متفاوت در این مدرسه گرد هم می آیند.

یک کار سخت

خانم معلم به خبرنگار «ایران» می گوید در یک سال تحصیلی در چهار پایه مختلف تدریس می کرده است و می افزاید: «این کار بسیار دشوار است، باید طوری برنامه ریزی می کردم که حق کسی در کلاس ها ضایع نشود و همچنین همه بتوانند درس را به خوبی یاد بگیرند.»

او در ادامه می گوید: «مثلاً در آن سال دو دانش آموز کم توان ذهنی در پایه های دوم و سوم و دو دانش آموز در پایه های اول و دوم ناشنوا داشتم که باید به آنها کتاب دانش آموزان عادی را تدریس می کردم و این، کار را برای من بشدت سخت می کرد. به طور کلی آن سال هشت دانش آموز در پایه های مختلف داشتم. برای مثال وقتی درس زنگ اول فارسی بود، باید به همه فارسی یاد می دادم و این کار خیلی سخت بود که وقتم را به درستی مدیریت کنم.»

کرونا و دانش آموزی به نام سبنا

این معلم می افزاید: «داستان آشنایی با دانش آموزی به نام سبنا نیز از همین جا شروع شد. اوایل دوران اوج کرونا مدرسه ها به علت جلوگیری از شیوع بیشتر بیماری به صورت مجازی درس و آموزش به دانش آموزان را پیگیری می کردند. معلم دانش آموزان ناشنوا مدرسه به سبب منتقل شدن به منطقه ای دیگر، از مدرسه رفته بود و ما مانده بودیم بی معلم. از آنجایی که تازه یک سالی می شد که در دوره های ضمن خدمت زبان اشاره را آموخته بودم، کلاس دانش آموزان ناشنوا را نیز به من دادند. من با سبنا در همین کلاس آشنا شدم؛ دانش آموزی که ناشنوا و مطلق است و من سعی کردم بخشی از زندگی او و مادرش را تغییر دهم.»

دانش آموزان ناشنوا و ماسک در دوران کرونا

لیلا احمدی با اشاره به اینکه در دوران کرونا

سارق حرفه ای تهران یک پادارد



یکی از سارقان حرفه ای تهران از معلولیت خود سوءاستفاده کرده و با عصا شیشه خودرو را می شکست و پس از دقایقی همدستش برای سرقت دست به کار می شد. سرهنگ رسول بهرامی ارشد سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری گفت: سوم تیر ماه در پی مراجعه و شکایت تعدادی از شهروندان مبنی بر سرقت محتویات خودروهای سواری پراید به روش شکستن شیشه در محله ابوذر، شناسایی و دستگیری سارق با سارقان در دستور کار کلانتری ۱۶۱ این پلیس قرار گرفت و تحقیقات ابتدایی آغاز شد. وی با بیان اینکه مأموران در پی جویی های انتظامی، بررسی بانک مجرمین سابقه دار و دوربین های مدار بسته مشخصات ظاهری و مخفیگاه متهمان را به دست آوردند، افزود: مشخص شد هر دو متهم از سارقان سابقه دار هستند که یکی از آنها که